

ناملی بر کتاب از هرگز تا همیشه

در مجله **فردوسی** منتشر شده و نقدی است بر غزل‌های سیمین بهبهانی. مقاله دوم این بخش «مرغی که در باغ را گشود» است. نگاهی است ژرف به اندیشه‌های اقبال لاهوری شاعر پارسی‌سرا و توانای پاکستانی که در ایران زمین به خاطر اندیشه‌های عرفانی و تأثیرپذیری شگرف از مولانا جلال‌الدین اقبال فراوانی یافته است. این مقاله نخست بار در مجله **روزگار وصل** شماره ۱۱ و ۱۲ منتشر شده است.

مقاله سوم بخش نخست بررسی سروده‌های شاعر ملی دوره مشروطه میرزاده عشقی است، مقاله «شعر عشقی سند ملیت ماست» نام گرفته. این مقاله بررسی کوتاهی است در شعرهای میرزاده عشقی که به نظر می‌رسد مؤلف خیلی قصد کند و کاو همه سویه آثار این شاعر را نداشته با نگاهی گذرا اندیشه‌های این شاعر بزرگ عصر مشروطیت را بررسی کرده است.

اما مقاله «شاهین ترازوی شگفت» از مجموعه مقالاتی دیگر است که در کتاب **یادمان سهراب سپهری** و در کتاب **باغ تنهایی** نیز در گذشته به چاپ رسیده است. هر چند مؤلف در آغاز این مقاله یادآور شده است که: «سر آن ندارم که درباره این سراینده و سروده‌هایش به قضاوت بنشینم. تنها بر آن سرم تا به مصداق:

تو را چنان که تویی هر نظر کجا بیند

به قدر دانش خود هر کسی کند ادراک

در حدوسع خویش آنچه را از مرده‌ریگ ادبی این شادروان انتر می‌یابم
با دوستان شعر فارسی در میان می‌گذارم.»

(همان، ص ۴۳)

باید اذعان کرد که این مقاله یکی از مقالات پرمایه این مجموعه است و نشان داده شده که مؤلف اشراف فراوانی بر سروده‌های سهراب در **هشت کتاب** و اندیشه‌های عرفانی این شاعر دارد. چنانکه اشاره می‌کند: «در یکایک شعرهای هشت کتاب، با شاعری عاشق معرفت رویارویییم. هشت کتاب کشکولی انباشته از دانایی‌های رنگارنگ است. برای سپهری فرهنگ و فلسفه، دین و عرفان، هنر و شناخت همان شاهد هر جایی است که هر لحظه به رنگی و جامه‌ای درمی‌آید. در ذهن او افکار لائوتسه و کنفوسیوس و بودا، زرتشت، مانی، مزدک، موسی و مسیح همه با هم درآمیخته‌اند و بر همین اساس همه پندارهایی که به ظاهر با هم بیگانگی می‌کنند در ضمیر وی به اتحادی خیره‌کننده

از دکتر سرامی تاکنون کتاب‌های فراوانی در حوزه‌های متفاوت فرهنگ و ادب پارسی به چاپ رسیده است از میان تمامی آثار ایشان می‌توان در حوزه پژوهش ادبی به کتاب **ارجمند از رنگ گل تارنج خار** (شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه) اشاره کرد که در سال گذشته شاهد چاپ چهارم این کتاب با مقدمه جدید مؤلف بوده‌ایم. کتابی که ره‌گشاینده بسیار ارزشمندی در حوزه شاهنامه‌پژوهی است و برای همه شاهنامه‌شناسان و علاقه‌مندان به فردوسی نامی است آشنا.

اما در بهار ۱۳۸۴ از این مؤلف دو عنوان کتاب روانه بازار نشر شده است یکی کتاب **از خاک تا افلاک** (سیری در سروده‌های مولانا جلال‌الدین) که چاپ دوم بوده است و دیگری کتاب **از هرگز تا همیشه*** که سلسله مقالاتی است در باب ادب و فرهنگ ایران زمین. در این جستارگونه هدفم بیشتر شناساندن این کتاب به پژوهندگان به‌ویژه دانشجویان اهل پژوهش و مطالعه است.

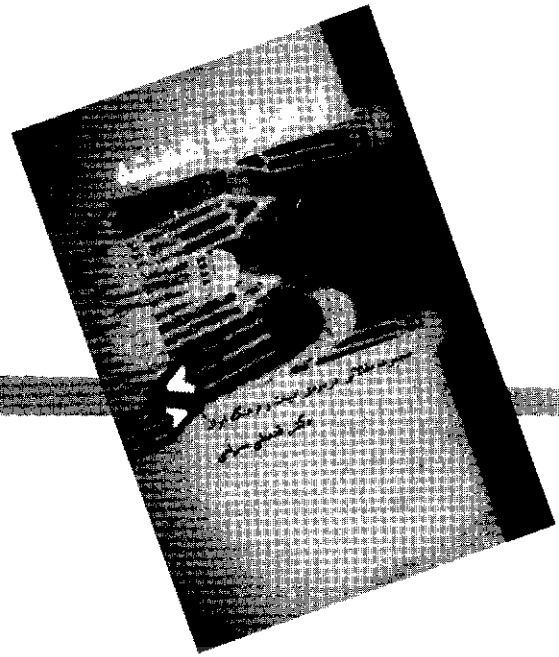
کتاب حاضر از یک مقدمه [آغازینه] و سه بخش تشکیل می‌شود. بخش نخست آن به مقالاتی درباره معاصران و بخش دوم آن به گذشتگان اختصاص دارد و واپسین بخش آن با عنوان «گوناگون» نشان می‌دهد که با مطالب بخش اول و دوم متفاوت است.

هدفی که مؤلف در تألیف این کتاب به دنبال دارد هدف دیگر گونه‌ای است او می‌گوید: «گمان می‌کنم بتوان نغمه‌هایی، سروده‌هایی و نوشته‌هایی آفرید که از دور گوش‌افس‌تر و شگفتی‌تر باشند. بی‌جا نگفته‌اند که آواز دهل شنیدن از دور خوش است. به پندار من اصولاً در کل کائنات، ارتباطاتی که پدیدارها از دور با یکدیگر دارند، دلگوارتر از پیوندهای نزدیکشان با هم است. این قانون ظاهراً از کلیت دامنه‌داری برخوردار است حتی همان گونه که زبانزد بشری «دل به دل راه دارد» گواهی می‌دهد. پیوندهای روانی آدمیان با یکدیگر را هم دربرمی‌گیرد.»

(از هرگز تا همیشه، ص ۷)
بنابراین نگاه مؤلف در تألیف این کتاب این گونه است که «می‌خواهد از خود چرخه‌ای فراهم آورد و در راهی که روان مخاطبان است آن را به رفتن و رفتن و رفتن و رفتن وارد.»

(همان)

اما بخش نخست این اثر که عنوان «معاصران» یافته است دارای شش مقاله است: مقاله اول چلچراغ غزل نام گرفته که سی سال پیش



رسیده‌اند.»

آفریننده. اما از آن کسان است که نتوانسته‌اند خودشان باشند و به ناچار از بسیاری از استعدادهایشان چشم پوشیده‌اند. از اشعار پراکنده‌ای که در اینجا و آنجا چاپ کرده و پاره‌ای یادداشت‌ها و قصه‌ها و نمایشنامه‌واره‌ها که از او خوانده‌ایم به روشنی می‌توان دریافت که این نیروی آفریننده در استاد تا چه پایه است. اما دریغ اینجاست که هنر در روزگار ما به جای آنکه بال هنرمند باشد، وبال اوست...»

(همان، صص ۷۴-۷۳)

اما بخش دوم این کتاب که زیر عنوان «گذشتگان» آمده است دارای هشت مقاله پژوهشی است. «سرشت و سرنوشت آدمیزاد» نخستین مقاله این بخش است. مؤلف در این مقاله اشاراتی موشکافانه به اهمیت شاهنامه رزمی سرای بزرگ ایران زمین دارد و اثر ارجمند استاد توس را می‌ستاید. او می‌گوید: «تأمل در شاهنامه به من آموخت که ستیز میان تقدیر و تدبیر یا به اصطلاح شاهنامه، بخشش و کوشش در ساحت فردی هیچ جز دگرگیری مستمر میان خویش و خود آدمیان نیست. در حقیقت این دوگانگی درونی ماست که به صورت تضاد بیرونی جلوه‌گری می‌کند.»

(همان، صص ۸۵)

در مقاله بعدی نیز دکتر سرامی که خود از شاهنامه‌پژوهان توانای معاصر است و این مسئله را در کتاب **از رنگ گل تارنج خار** به اثبات رسانده است باز به شاهنامه فردوسی نظری دارد. «شاهنامه، آیین زندگی ایرانیان» و حقیقت نیز این است که شاهنامه شناسنامه ایرانیان است. دکتر سرامی راز پرماز ماندگاری شاهنامه را در آیینگی آن می‌داند و بر آن است که: «بزرگ‌ترین دلیلی که هنوز به شاهنامه مراجعه کنیم جنبه آیینگی آن است. ما همچنان می‌توانیم خودمان را، اجدادمان را انسان‌هایی را که در این سرزمینی که ما داریم زندگی می‌کنیم، زیسته‌اند در آیین شاهنامه ببینیم.»

(همان، صص ۹۴-۹۳)

اما «از هرگز تا همیشه» که نام کتاب از عنوان این مقاله وام گرفته شده است نگاهی متفاوت به کتاب پر ارج عطار نیشابوری، **تذکره‌الاولیا**، است. مؤلف که خود غوری شگرف در آثار صوفیه به ویژه سنایی، عطار و مولوی دارد در این جستار همه سویه این اثر سترگ را وارسی کرده است و بر این است که: «تذکره‌الاولیا و لیاه شورش است همه جانبه بر واقعیات مجرب، طغیانی است بر همه قانون‌ها اعم از قوانین اجتماعی و علمی

(همان، صص ۴۵)

دیدگاه دکتر سرامی نسبت به این شاعر کاملاً موشکافانه و دیدگاهی کاملاً علمی است و توانسته است فراز و فرود اشعار این شاعر را به وضوح بنمایاند.

تأثیرپذیری فراوان سهراب از زبان نیمای نام‌آور در دفاتر آغازین مجموعه‌اش همچنین سایه گسترانیدن اندیشه‌های عرفانی راز آشنای بلخ - مولوی - در مجموعه سوم این شاعر یعنی **آوار آفتاب** از جمله مواردی است که دکتر سرامی آنها را یادآور شده است. لذا اشارات وی به نکات فنی شعرهای سپهری و بررسی محتوای اشعار این شاعر به‌ویژه از نظرگاه عرفانی موجب شده است این مقاله را بسیار پژوهشگرانه و عالمانه بدانیم.

مقاله دیگر این بخش اختصاص دارد به بررسی مجموعه شعر **هزاره دوم آهوی کوهی** اثر دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی که یکی از شاعران بزرگ معاصر به شمار می‌آید. این مقاله با عنوان «مرگ شعله‌ها» قبلاً در **کتاب ماه ادبیات و فلسفه** به چاپ رسیده بود. مؤلف در این مقاله تلاش کرده با نگاهی گذرا جوانب شعر دکتر شفیعی کدکنی را بررسی کند.

«جهانی در خلوت تنهایی» عنوان واپسین مقاله این بخش است که قبل از انقلاب در کتاب **از مغانی برای زرین کوب** به چاپ رسیده بود. این مقاله به بررسی آثار خلاقه استاد عبدالحسین زرین کوب می‌پردازد و نگاه اصلی مؤلف به کتاب **یادداشت‌ها و اندیشه‌ها** معطوف بوده است.

دکتر سرامی درباره مقام سترگ علمی و ادبی استاد زرین کوب چنین می‌گوید: «بی‌گمان استاد زرین کوب که یکی از چند محقق بی‌نظیر ایران امروز است و آثار تحقیقی‌اش درخور ستایش فراوان است. آنچنان که از کتاب‌ها و مقالاتش برمی‌آید مردی است خلاق و اندیشه‌ای دارد

و... عصیانی است بر هر چه که لایتغیر انگاشته شده و می شود جز ذات باری تعالی.»

(همان، ص ۱۱۷)

«پردگی راز» و «چرخ، آشوب و زلزله» عنوان دو مقاله دیگر این بخش از کتاب است که مؤلف در این دو مقاله گذری و نظری دارد بر اندیشه های مولانا جلال الدین. مقاله اول ظاهراً مقدمه کوتاهی است بر کتابی زیر عنوان «از بود تا نمود» که به نظر می رسد مؤلف خیلی قصد تأمل و ژرف نگری در مثنوی مولانا را ندارد. ولی در مقاله دوم نگاهی ژرف تر به اندیشه های مولانا دارد و اندیشه های این ابرمرد عارف را در مثنوی، غزلیات و حتی رباعیاتش می کاود و می نمایاند. دکتر سرامی بر این باور است که: «مولانا برای ما الگوست. از این نظر که انسانی است ناپیستا، انسانی که آن به آن او متفاوت است. نه تنها امروزش با دیروزش فرق دارد، امسالش با پارسالش فرق دارد، بلکه لحظه به لحظه دگرگون شونده است. انسانی است همواره متحول. (مصدق خلق مدام که در عرفان اسلامی با آن آشنا هستیید) مولانا در کار خلق مدام خودش است. یعنی آن به آن آفریده می شود و در حقیقت آن بت عیاری که معشوق مولانا است و دل می برد و تهنان می شود و باز دل می برد و نهنان می شود، صورتی از خود او هم هست.»

(همان، ص ۱۳۶)

مؤلف درباره اندیشه های مولانا نظری خاص دارد. او بر این عقیده است که: «مولانا جلال الدین اگر هیچ درسی به ما نداده باشد، جز اینکه فریب ظاهر را نخوریم و قیاس را تعطیل کنیم، در بسیاری از ماجراها برای ما بس است. مولوی اگر با قیاس دشمن است نه به خاطر این است که جنگ شرعی دارد با فقها. به هیچ وجه. برای اینکه قیاس کردن خطاست...»

(همان، ص ۱۴۶)

«از دیدن تاسرودن» عنوان مقاله دیگری است که در این کتاب آمده است. این مقاله نیز نخستین بار در مجله تحقیقات اسلامی (یادنامه دکتر احمد طاهری عراقی) به چاپ رسیده است که درباره کلیات شیخ اجل سعدی شیرازی است.

نویسنده در این مقاله آثار سعدی را از نظر گاه ادبی، روان شناختی و گاهی جامعه شناختی بررسی کرده و کوشیده است تا سلوک فردی این شاعر و نویسنده صاحب سبک را بنمایاند و حتی از منظر دین نیز اندیشه هایش را وارسد.

در نظر دکتر سرامی، سعدی «جهانگردی جهان شناس است که سیر و سفر بیرونی را با سیر و سلوک درونی درهم آمیخته و آمیزه ای گوش افروز و چشم افسا پدید آورده است. ادراک واقعیت های بیرونی و اندرونی او ستاره های دنباله دار است و همیشه انفعالی موقت یا دائم را در وی زمینه چینی می کند. همین انفعال است که پس از دریافت شعر او از سوی مخاطبان در آنان پدید می آید.»

(همان، ص ۱۵۰)

همین طور او اشاره ای به جوانگرایی سعدی دارد، می نویسد: «او شیفته برنایی است. دوست دارد همواره جوان بماند و چون تن خود را ناچار از فرسودن می بیند می کوشد تا دل و دماغ خویش را همواره تر و تازه نگاه دارد و برای درک این طراوت نفسانی است که چشم ها را هرگز

به روی زیبایی ها فراز نمی کند...»

(همان، ص ۱۶۲)

اما «خیز تا از در میخانه گشادی طلبیم» مقاله دیگری است که در حقیقت در این نوشتار شادی گرایی در ادب فارسی به ویژه در آثار شاعران بزرگی همچون مولانا و حافظ مورد کند و کاو قرار گرفته است در پیشانی این مقاله عبارتی از سر آغاز کتیبه نقش رستم داریوش کبیر بدین گونه آمده است: «بغ بزرگ است اهورامزدا، او که این زمین را آفرید، او که آن آسمان را آفرید، او که انسان را آفرید، او که شادی را برای انسان آفرید.»

(همان، ص ۱۶۷)

دکتر سرامی ابتدا به شادی گرایی در اوستا اشاره کرده و پس از آن ادبیات دوره آغازین و سبک خراسانی را مد نظر خود قرار داده است. شاعران این دوره به شادی و شادخواری عنایت خاص داشتند. اما در دوره های بعدتر به ویژه در دوره اوج گیری ادبیات عرفانی معنا و مفهوم شادی گرایی دیگرگون می شود: «با نشت اندیشه های صوفیانه در شعر فارسی از قرن پنجم به بعد اندک اندک شادی از مفهوم ابتدایی خود که خوشگذرانی و کامرانی است به مفهوم گسترده تری که بیشتر حاصل شور و شوقی اندرونی است، تحول پیدا می کند. شادی آغازین از امکانات آدمی سرچشمه می گرفت و تحصیل آن مستلزم تحصیل بسیاری از تمکانات بود، اما رفته رفته به هیئت انفعالی مستدام که حاصل خرسندی در قبال آنچه هست، می باشد، درآمد.»

(همان، ص ۱۶۹)

رویکرد این مقاله بیشتر به اندیشه های شادی گرایانه خواجه حافظ شیرازی است. به نظر می رسد این رند پارسا بیشتر از شاعران دیگر به این مفهوم چشم داشته است. گویی آفریده شده است تا از می لعل و شیرین دهنان حکایت کند:

با صبا در چمن لاله سحر می گفتم

که شهیدان که اند این همه خونین کفتان؟

گفت: حافظ! من و تو محرم این راز نهام

از می لعل حکایت کن و شیرین دهنان

(دیوان حافظ، غزل ۳۸۷)

چنانکه در ابیات آغازین این غزل شورانگیز نیز شادی موج می زند: شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهنان

که به مژگان شکند قلب همه صف شکنان

مست بگذشت و نظر بر من درویش انداخت

گفت: ای چشم و چراغ همه شیرین سخنان

....

کمتر از ذره نه ای، پست مشو، مهر بورز

تا به خلوتگه خورشید رسی چرخ زنان

به هر روی «خواجه، بارها و بارها تعلق خاطر خود به شادی و خوشی

را با ما در میان می گذارد تا آنجا که می توان در دیوان او، به چشم

شادی نامه نگریست. در تصور این سراینده حتی برای درک لذت غم

دوست، باید دل شاد و امیدوار داشت:

چون غمت را نتوان یافت مگر در دل شاد

ما به امید غمت خاطر شادی طلبیم



بخش‌های اول، خیلی تخصصی نباشند و شاید بهتر بود مثلاً در کتابی دیگر گرد می‌آمدند. هرچند بعضی از مقالات این بخش به خودی خود شاید فنی‌تر و تخصصی‌تر نیز به نظر آیند مثل «باغ در شعر فارسی»، «گلایه‌های منظوم» و «بدیعیه» ولی زیبایی مقالات نخستین همین طور گیرایی آن مقالات برای من خواننده بیشتر بوده است.

مقاله پایانی کتاب که حدود یک صفحه بیش نیست و در **دانشنامه جهان اسلام** نیز در گذشته به چاپ رسیده تذکره کوتاهی است در معرفی فردی که خنیاگر، موسیقیدان است و لذا شاید از چارچوب مقاله‌نویسی برخوردار نباشد اما مؤلف برای حفظ نوشته‌هایش و اینکه این شخصیت را که در فرهنگ‌ها حتی به معرفی آن نپرداخته‌اند تلاش کرده آن را به خوانندگان و علاقه‌مندان به فرهنگ بسپارد. یا مقاله «نمی‌دونی تا کجا میره» جستاری است پژوهشگرانه در حوزه شعر کودک از نظر محتوا و موضوع با دیگر مقالات کتاب هماهنگی شاید نداشته باشد.

دکتر سرامی خود از شاعران، نویسندگان و نظریه‌پردازان ادبیات کودک در کشور است. کتاب‌های: **شیرین تر از پرواز، حمومک رنگ‌ها، بادکنک سرخ، من و جام و شبتاب‌ها، قاشق جادوگر** همچنین کتاب **پنج مقاله درباره ادبیات کودک** نشان می‌دهد که دکتر سرامی در این حوزه تلاشی سیندوار دارد و نظراتش بسیار روشنگر است.

مقاله‌ای در کتاب **پنج مقاله درباره ادبیات کودک** می‌خوانیم زیر عنوان: «جستاری درباره لالایی‌ها» که به نظر من یکی از محققانه‌ترین مقالات درباره لالایی و خاستگاه آن است که تاکنون نوشته شده است. لذا با توجه به اینکه در حوزه ادبیات کودک نیز کتابی مستقل دیده‌ام بهتر بود این مقاله را نیز در کتابی در حوزه ادبیات کودک به چاپ می‌رساند. یقین دارم مؤلف این کتاب مقالات به چاپ نرسیده فراوانی در حوزه ادبیات کودک دارند که شاید در آینده نزدیک شاهد چاپ این آثارشان نیز باشیم.

به هر روی کتاب **از هرگز تا همیشه** که همین روزها روانه بازار شده است توانایی قلمی و اندیشه‌ای مؤلف را نشان می‌دهد. مقدمه سنگین، نغز و ادبیانه این کتاب نشان از درک بالایی مؤلف دارد، هرچند دکتر سرامی در مقدمه‌نویسی اساساً پر تلاش و مستحکم وارد شده است. مقدمه کتاب **از رنگ گل تا پنج خار** هرچند به کوتاهی است اما فراوان استادانه است و یا مقاله ارجمند «دکان فقر» که بر مثنوی معنوی نوشته شده است و نشر بهزاد آن را تاکنون به چندین چاپ رسانده است.

ناگفته نماند طراحی روی جلد این کتاب که توسط سیروس آقاخانی انجام گرفته است. همین طور کیفیت چاپ و صحافی کتاب این اثر را بهتر به خوانندگان معرفی خواهد کرد و کتاب حاضر در نظر نخست هم به خاطر طراحی استادانه‌اش از جلوه‌های خوبی برخوردار است. امید است در آینده شاهد آثار دیگری از نویسنده و استاد پر تلاش هم‌روزگارمان، دکتر سرامی، باشیم تا دانش پژوهان بیشتر با اندیشه‌های این مؤلف پرمایه آشنا شوند.

میل به شاد زیستن در حافظ چندان ژرف و دامنه‌دار است که همه مسائل دیگر را تحت الشعاع خود قرار داده و همین باعث آمده تا گاه گاهی ظاهر کلام او با باورهای دینی منافات پیدا کند.»

(از هرگز تا همیشه، ص ۱۷۲)

به نظر می‌رسد که مؤلف این مقاله را پس از پژوهش دقیق نگاشته است و چنان محققانه و استادانه رد پای شادی را در دیوان خواجه واری کرده که هیچ جای صحبتی برای دیگران نگذاشته است. این مقاله ارجمند می‌تواند عنوان پایان‌نامه‌ای مستقل و پرمایه باشد برای برخی از دانشجویان علاقه‌مند و پژوهشگران توانا تا شادی‌گرایی در ادب پارسی را بیشتر بنمایانند.

ناگفته نماند در این مقاله غیراز اهمیت شادی‌گرایی در دیوان حافظ به مباحثی مثل تقابل غم و شادی و بنیاد امید و به ویژه بنیاد عشق نیز پرداخته شده است.

در پایان این بخش به مقاله‌ای دیگر برمی‌خوریم زیر عنوان «یگانگی شکل و محتوا» که در این مقاله بحث وحدت وجود در عرفان اسلامی در دیدگاه شاعران عارف مسلک و عارفان بزرگ نظیر ابن عربی مورد بررسی قرار گرفت و پس از آن به شعر برخی از شاعرانی که به وحدت وجود توجه داشتند مثل ترجیع‌بندهای فخرالدین عراقی و هاتف اصفهانی توجه خاص شده است. نویسنده نشان داده است که شکل ترجیع‌بند هاتف، گذشته از محتوای آن، بیانگر وحدت وجود و مفسر نگره وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است.

بخش سوم این کتاب عنوان «گونگون» را به خود گرفته و همان گونه که از نامش پیداست مقالاتی گوناگون و غیر از مقالات بخش اول و دوم در این بخش قرار داده شده است. «زبان‌های ایران و نشر آنها»، «مرغ چیستان»، «باغ در شعر فارسی»، «گلایه‌های منظوم»، «بدیعیه»، «نمی‌دونی تا کجا میره» و در فرجام «بدعه حمدونیه» مقالات این بخش هستند.

مقالات این بخش هرچند در جایگاه خود تلاشی است در باب اهمیت ادبیات و فرهنگ اصیل ایرانی اما به نظر می‌رسد همانند مقالات

* از هرگز تا همیشه (مجموعه مقالاتی درباره ادبیات و فرهنگ ایران)، دکتر قدمعلی